

نام به‌اردشیر ساخت که مجموعه‌ی سه شهر تیسفون و سلوکیه و به‌اردشیر را شهرستان می‌گفتند.

شاپور پسر اردشیر هم اقدام به ساختن مقر دیگری نمود و به پیروی از پدر خود به آن نام به‌شاپور نهاد، چراکه شاهان ساسانی نام خود را بر شهرهایی که سازنده‌ی آن بودند می‌گذاشتند. بنابراین وجه تسمیه‌ی بیشاپور در ردیف نام شهرهایی است که پادشاهان ساسانی برای شهرهای جالب توجه که هم نام خودشان بوده می‌گفتند مانند به‌اردشیر، به‌خسرو و به‌شاپور. (راه و رسم منزلها - اعظمی‌کیا)

۲۱- خاوران: چنانچه در فرهنگ اوستا نیز آمده است، خراسان و خاوران هر دو از ریشه‌ی «خورآسان» و «خورآوران» به معنای جایی که خورشید به آسانی از آن سمت پدیدار می‌شد و جهتی که خورشید از آن سوی آورده می‌شده و به عبارتی همان مشرق معنی می‌داده است، گوشه‌ی گفته شده با نام خاوران در ردیف، اشاره به فرهنگ آوازی شرق و بلاد مشرق دارد و چنانچه هم اکنون هم یکی از توابع استان خراسان (نزدیک مشهد) قریه‌ی خاوران می‌باشد که دلالت بر این مسئله می‌کند.

از طرفی ضمن انتساب گوشه‌ای به آن محل به احتمال قریب به یقین پرستش خورشید و آتش و سنا (روشنی) در مذهب زرتشت و کتاب مقدس او (اوستا) در قالب سرودهایی با این نوای مورد نظر بوده است. البته نوای مورد نظر امروزی ما ممکن است دستخوش تغییراتی شده باشد. گوشه‌ی مذکور با توجه به فضای نوای آن قابل اجرا در گام نوا نیز می‌باشد، در واقع هنگام خواندن و نواختن گوشه‌ی مذکور به نوایی وارد می‌شویم که نت تونیک آن درجه‌ی پنجم گام ماهور می‌باشد. (راه و رسم منزلها - اعظمی‌کیا)

۲۲- ساقی‌نامه: یکی از گوشه‌های دستگاه ماهور است. (مهدی برکشلی - گام‌ها و دستگاه‌های موسیقی ایرانی) ساقی‌نامه یکی از نغمات متداول در موسیقی تنبور کرمانشاهان نیز هست. ساقی‌نامه یکی از فرم‌های زیبای شعر پارسی است که حاوی بیانی عاشقانه، نمازخانه، و درد و رنج است که معروفترین آنها را حافظ و رضی‌الدین آرتیمانی سروده‌اند. (فرهنگ موسیقی ایران - بهروز وجدانی) نوعی از شعر به علت آنکه مضمون ابیاتش خطاب به ساقی است به ساقی‌نامه شهرت یافته است، می‌گویند در عصر قاجاریه یکی از موسیقی‌دان‌های مشهور آن زمان بر پایه‌ی این اشعار آهنگی ساخته که به ساقی‌نامه شهرت یافته است.

زنده‌یاد علینقی وزیری درباره‌ی ساقی‌نامه چنین می‌گوید که در مقایسه‌ی ساقی‌نامه و تصنیف باید گفت که تصنیف همان معنی را دارد که در اروپا یک مقام ساده‌ی عمومی پسند را که ضربی و خوشحال باشد، با شعر فراخور خودش

حزین در شور، نوا، سه‌گانه، چهارگانه، ماهور، بیات راجع، راست‌پنجگاه و افشاری اجرا می‌شود.

۵- گوشه‌ی خجسته: مبارک، میمون (برهان قاطع) (خ ج ت). نام گلی است در رنگ و میان آن سیاه می‌شود و آن را همیشه‌بهار می‌گویند (برهان قاطع). خجسته نام یکی از شعبات دستگاه «راست» از موسیقی مقامی آذربایجان نیز است، خجسته در ردیف استاد دوامی در دستگاه نوا خوانده می‌شود. این گوشه در ردیف اصفهان، به روایت استاد کسایی در آواز اصفهان اجرا می‌شود.

۶- گوشه‌ی عراق: به ماهور رجوع شود.

۷- سوزوگداز: واژه‌ی سوزوگداز به معنای سوختن و گداختن است و اشاره و کنایه از دردی جانکاه در دل داشتن و دم نزدن است، نوای گوشه خود مبین معنای واژه است.

یکی از گوشه‌های دستگاه همایون در ردیف فرصت‌الدوله شیرازی در کتاب حورالاحان ضبط شده است. در ردیف استاد دوامی، میرزا عبدالله و استاد تاج اصفهانی در پرده‌ی بیات راجع اصفهان اجرا می‌شود.

۸- عشاق یا اوج: عشاق یکی از دوازده مقام قدیم است. مقصود از عشاق قدیم، آوازی است که اکنون اساتید در ردیف دستگاه‌های نوا و راست‌پنجگاه می‌نوازند، نه آن لحنی که اکنون به نام عشاق در دشتی یا اصفهان یا همایون می‌خوانند و می‌نوازند. اساتید مسلم گذشته عشاق را در دشتی، اصفهان و همایون اجرا می‌کردند و چون اوج را با عشاق پیوندی بود شاید بدین مناسبت اوج را عشاق گفته‌اند.

بخوان عشاق را در روز مجبور

شوی چون از وصال دوست مهجور

از پرده‌ی عراق به عشاق تحفه بر

چون راست و بوسلیک خوش‌الحانم آرزوست

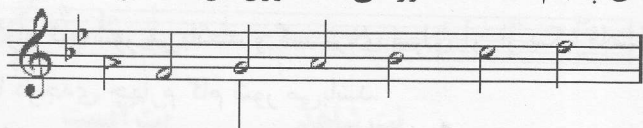
افلاطون گوید، مقام عشاق فایده دارد برای مرض‌های مزمن مهلک، مانند امراض قدمین و نقرس و بادهای گرم و خشک و تر، عشاق را از برج عقرب و تأثیرش گرفته‌اند.

۹- بوسلیک: به ماهور رجوع شود.

- ۱۳- رضوی
 ۱۴- رضوی با تحریر جوادخانی
 ۱۵- حسینی
 ۱۶- عزال
 ۱۷- دو بیتی
 ۱۸- گلریز
 ۱۹- محمد صادق خانی
 ۲۰- صفا
 ۲۱- بزرگ
 ۲۲- زیرکش سلمک
 ۲۳- فرود سارنگ یا سارنج
 ۲۴- گرایلی یا گریلی
 ۲۵- مثنوی

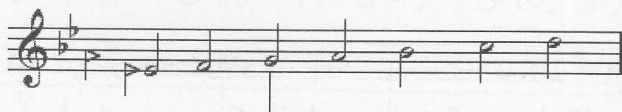
Shiraz-Beethoven.ir

۱- **کرشمه:** نت گواه و نت ایست آن درجه‌ی اول می‌باشد و گستره‌ی نوای آن ز درجه‌ی هفتم دستگاه شور یا یک فاصله‌ی دوم بزرگ پیش از نت گواه آغاز و تا درجه‌ی پنجم دستگاه شور می‌باشد. وزن آن مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلات است.



نت شاهد و ایست

۲- **درآمد اول شور:** نت گواه و نت ایست آن درجه‌ی اول می‌باشد و گستره‌ی نوای آن از درجه‌ی ششم (فاصله سوم نیم بزرگ بم‌تر) تا درجه‌ی چهارم می‌باشد.



نت شاهد و ایست

* یادآوری: درجه‌ی ششم mi ربع پرده بیشتر می‌شود.

۹- رضوی:

چه جای می که در این روزگار بی فریاد

۱۰- رضوی و فرود:

نشان داغ دل ماست لاله‌ای که شکفت

۱۱- فرود:

گذشت عمر و به دل عشوه می خریم هنوز

۱۲- دیلمان:

بهارا بنگر این خاک بلاخیز

بهارا بنگر این صحرای غمناک

بهارا بنگر این کوه و در و دشت

بهارا دامن افشان کن ز گلبن

میان خون و آتش ره گشاییم

دگر بارت چو بینم شاد بینم

۱۳- تصنیف از خون جوانان، از عارف قزوینی، در میزان $\frac{6}{8}$

کاست شماره‌ی ۲ - گلهای تازه‌ی شماره‌ی ۵۴ - آواز دشتی -
شب‌زنده‌داران - شعر: استاد شهریار - آواز: شجریان (سیاوش) - ویلن:
حبیب‌الله بدیعی - تار: فرهنگ شریف - تنبک: جهانگیر ملک - گوینده:
فخری نیک‌زاد

۱- درآمد اول:

تا کی در انتظار گذاری به زاریم
باز آی بعد از این همه چشم‌انتظاریم

۲- درآمد دوم:

دیشب به یاد زلف تو در پرده‌های ساز
جانسوز بود شرح سیه‌روزگاریم

۳- بیات راجع:

بس شکوه کردم از دل ناسازگار خود
دیشب که ساز داشت سر سازگاریم

۴- عشاق یا اوج:

“شمع تمام گشت و چراغ ستاره مرد
چشمی نماند شاهد شب‌زنده‌داریم” (۲)

۲- درآمد دوم:

یک دو روز دگر انداخت به بالین من
که من امروز دگر دارم و فردای دگر

۳- زابل:

پا نهم پیش که نزدیک تو آیم با کس
از تحیر نتوانم که نهم بار دگر

۴- اشاره به گوشه‌ی شوشتری و مویه:

اگر این است پریشانی ذرات وجود
کاش هر ذره شود پاک به صحرای دگر

۵- مویه:

پیش از این داشت هلالی سر سودای کسی
دید چون زلف تو افتاد به سودای دگر

۶- شکسته مویه و فرود با تحریر

کاست شماره‌ی ۱۰ - میرزا قلی ظلی - سه‌گانه - موسسه‌ی ماهور -

کاست ظلی

۱- درآمد:

ای خوشا عاشقی و مستی و بی پروایی
ای خوشا در خون دل خویش قدح‌پیمایی

۲- زابل:

از بر من کجا می‌روی ای غم دیگر
تو که هر جا روی آخر بر من بازآیی

۳- مخالف:

شستم از اشک، در خون رنگ جلایش دادم
صورت عشق کند ورنه بدین زیبایی

۴- فرود:

رانده‌ایم از همه جا و گنه ما اینست
که نداریم دلی بوالهوس و هر جای

۲۶- **مثنوی:** بر وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلات در همه‌ی گوشه‌های راست‌پنجگاه قابل اجرا است.

۲۷- **ماوراءالنهر:** نت گواه آن درجه‌ی پنجم راست‌پنجگاه می‌باشد و نت بیست اول آن روی درجه‌ی سوم و ایست دوم آن روی درجه‌ی دوم و ایست نهایی آن روی درجه‌ی اول گام راست‌پنجگاه می‌باشد، گستره‌ی نوای آن از یک درجه‌ی بیست و یک از درجه‌ی اول گام، یعنی درجه‌ی هفتم تا درجه‌ی هشتم گام راست‌پنجگاه می‌باشد.



* یادآوری: در این گوشه، درجه‌ی هفتم نیم پرده و درجه‌ی سوم و ششم ربع پرده کم می‌شود.

راست‌پنجگاه را معمولاً بر وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن اجرا می‌کنند (در این وزن حالتش بهتر ادا می‌شود ولی اگر خواننده به تکنیک آوازی و شعر تسلط کامل و وافی داشته باشد فرقی نمی‌کند).

گواه مثال، روایت استاد دوامی:

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد

عشق پید اشد و آتش به همه عالم زد

روایت استاد شجریان:

روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست

منت خاک درت بر بصری نیست که نیست

روایت استاد شجریان: (کلاس درس)

در همین سال به همراه استادان (جلیل شهنواز و کسایی) برنامه‌ای در سالن دانشکده ادبیات برای گروهی از بزرگان موسیقی جهان، اجرا کرد که بسیار جالب بود و یکی از استادان خارجی طی مصاحبه‌ای مطبوعاتی گفت: «من تصور می‌کردم که آواز ایرانی دارای ریتم نمی‌باشد ولی در اجرای برنامه‌های قوامی متوجه شدم که این خواننده ریتم را در آواز رعایت می‌کند و به نوازندگانش توجه ندارد و حاکم برنامه است، درست موقعی که باید آواز شروع کند شروع می‌کند و همین امر باعث شد که متوجه شوم ریتم آواز ایرانی، چهار ضربی است و تنها قوامی این را رعایت می‌کند و من این رعایت ریتم را در خوانندگان دیگر ندیدم و نشنیدم، قوامی در آواز ایرانی در سطح عالی و بالاتر از دیگر خوانندگان قرار دارد.»

استاد نورعلی برومند نیز نظری همانند این داشت و معتقد بود که در آن شرایط و برهه از زمان، در بین خوانندگان، قوامی در سطح بالاتری قرار دارد و خواننده‌ای نداشتیم که بتواند همپایه‌ی او بخواند.

سرانجام، استاد قوامی، غروب روز پنجشنبه، هفدهم اسفند ماه ۱۳۶۸ جهان را بدرود گفت و پرنده‌ی روح (فاخته) به آسمان‌ها پر کشید. مراسم تشییع شکوهمندی برگزار شد و پیکر آن روانشاد از برابر تالار وحدت (رودکی) با بدرقه‌ی هزاران تن از شیفتگان موسیقی ملی و دوستان، به امامزاده طاهر کرج منتقل و در کنار دوست دیرین و هم‌نوای هنر آفرینش، سلطان آواز، شادروان غلامحسین بنان به خاک سپرده شد.